

شنبه 27 اپریل 2019

مرجان کمال

جنگ میراثی

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

قسمت هشتم

اشتیاقی که به دیدار تو دارد دل من دل داند و من دانم و من دانم و دل من
خاک من گل شود و گل شگفت از گل من تا ابد مهر تو بیرون نرود از دل من



اقوام، (Qawm-s)، علم عقیدتی (idéologique) و نمایش دادن نمادی یا سمبولیک:

مطالعات و کار های کریستیان نویل کریمی (Christian Noëlle - Karimi) بالای تشکیلات اجتماعی و روابط دولت - جامعه در قرن نوزدهم میلادی، ادامه ملاحظات و مشاهدات توماس برفیلد (Thomas Barfield) در مورد آنچه که ارتباط می گیرد به تشکیلات اجتماعی در نزد اهالی ترک - مغل (Turco - Mongoles) از لا به لای ارتباطات شان با امپراطوری چین. «عناوین مانند "پارچه پارچه" و یا "بی سر"، طوری که اکثراً در نزد پشتون ها تطبیق گردیده است، در صورتی قابل فهم خواهد بود که به قرار مطالعات کریستیان نویل کریمی یک تحلیل دقیق در اوضاع و احوال ، شرایط اجتماعی - اقتصادی و سیاسی است که تولید کننده یک بافت یا ساختار قبیلوی مشخص می باشد».

کریستیان نویل کریمی مخصوصاً اشاره می کند، که بعضی اوقات یک کشمکش و حتی ضد و نقیض بین ایدئولوژی یا افکار قبیلوی که توسط بازیگران سیاسی مقتدر و «نقش رهبر برای عملی نمودن رهنمایی های وی غیر رسمی و داخل مقررات رسمی نبوده و درج کدام دفتر نمی باشد». به همین دلیل برداشت از قبیله به قراری که توسط بعضی از کتگوری های قبایلی مشخص گردیده است عبارت است از طرز زندگی اهالی، قسمیکه آن را زندگی می کنند، یعنی عادات و رسوم زندگی (habitus) که توسط بازیگران قبایل اداره و به مانند یک اسلحه جهت سلطه گری در مقابل آن عده که مقاومت نشان بدهند استعمال می گردد.

مکانیزم یا پرویس ایجاد سلسله مراتب و قشر بندی اجتماعی:

اشکال قشر بندی در داخل جامعه پشتون:

تحلیل انسان شناسی (Anthropologie) روس:

نشان دادن تفاوت ها به قرار انترپولوژی روس بالای کتگوری های مختلف طبقات پشتون:

اول طبقه یا کتگوری رتبوی یا سلسله مراتب، دوم کوچی یا (nomade) و سوم قومی توصیف گردیده است. به این ترتیب اولی به اساس سلسله مراتب، دومی کوچی های مساوات طلبان و سومی مستقر و ساکن و مساوات طلب. این کتگوری ها بسیار زیاد تقلیل پذیر هستند در صورتی که به مغلط بودن پیچیدگی قشر بندی اجتماعی - اقتصادی دهات و قصبات توجه نگردد. در حقیقت کوچی ها نشان دهنده یک کتگوری منسجم و یک پارچه نیستند، زیرا شامل یک تنوع بزرگ اجتماعی و اقتصادی، از مالداران بسیار غنی، که صاحبان بزرگ مواشی اند، که در قرن بیستم میلادی تاجران بزرگ صادراتی و وارداتی و سبب تشکیل یک طبقه تاجران فراملتی گردیدند، تا به گروپ های خورد که مشغول فعالیت های چوپانی هستند.

فلهذا طبقات قومی مطلقاً مساوات طلب شاید موجود نباشد. (Pas stricto sensu).

با وجود آن، این طرح طبقه بندی بسیار دلچسپ است و نشان دهنده یک تنوع اجتماعی - اقتصادی را در یک جمعیتی که اکثراً به مساوات طلب و بی سر مشخص شده اند، می باشد. در حالیکه تاریخ ارتباطات دولت - جامعه از قرن هژدهم میلادی از لا به لای میکانیزم تشکیل دولت و پدیده های سلسله مراتب و قشر بندی واضح و آشکار گردیده است.

دو نوع سلسله مراتب از ریچارد تپر (Richard Tapper):

از لا به لای تقسیمات دوم که نتیجه تحقیقات و مشاهدات ریچارد تپر می باشد به ما اجازه می دهد تا سه نوع کتگوری قبیله را مشخص سازیم. که عبارت از دو مدل یا دو نمونه اساسی سلسله مراتب از یک طرف، و یک تقسیم بندی مهم در بین قبایل شرق از طرف دیگر.

نمونه اول تشکیل شده توسط طبقات مساوات طلب، که دارای یک تهداب اقتصادی که اساس آن از فعالیت های چوپانی و زراعت حاشیوی تشکیل شده است. که این به صورت اساسی دلالت به قبایل ولایت سرحدی شمال غرب چوپانی (NWFP) (North - West Frontier Province) پاکستان فعلی می کند، و مشخصاً مطابقت به قبایل جانب

افغانستان افریدی، مهمند و وزیر می نماید، که به نام قبایل شرقی یاد می شوند. این تعریف مطابقت به تعریفی که توسط اکبر احمد در مورد قبایل ننگ داده شده است، می کند.

نوع دوم عبارت از شکل قبایل تخصصی در فعالیت های جنگی از زمان مغل ها می باشد. مؤلف به تعقیب و فهمیدن انترپولوژی استعمارگر انگلیس این قبایل را جنگجو و رزمی تعریف نموده است.

این ها سطح سلسله مراتب در نزد شان نسبی است، زیرا که به بسیار خوبی می توانیم در بین شان طبقات زمینداران و کارگران را که بالای زمین های شان کار می کنند مشخص نمایم. نمونه اصلی این قبایل عبارت است از یوسفزی های صوات باوجودی که در عین منطقه قبایل شرقی موقعیت دارند.

موقعیت صوات در شمال ولایت سرحدی شمال غرب (NWFP) در منطقه که توسط قبایل مساوات طلب که قبلاً ذکر شد واقع بوده و تشکیل اجتماعی آن زیادتیر نشان دهنده سلسله مراتب مغل را در داخل عین مجموعه جغرافیایی نشان می دهد. همچنان مؤلف از جانب دیگر مشخص می سازد، که تشکیلات اجتماعی کتگوری دوم قبایل استوار است بالای زمین های هموار و دره های سرسبز و زمین های زراعتی و آب یاری شده، که دارای تولیدات فراوان می باشد.

بالاخره یک کتگوری سوم که به شکل بین البینی در سلسله مراتب مطابقت می کند و از دو کتگوری قبلی توسط نوعیت سلسله مراتب از نوع فیودال «féodal» خود را مشخص و مختص می سازد و مربوط به قبایل اند که فعالیت های زراعتی با تولیدات فوق العاده زیاد و نزدیکی به مراکز شهر ها و همچنان در عین زمان از همجواری به مراکز سیاسی و مراکز تجارتی مستفید گردیده اند.

این شکل قشربندی مستلزم تشکیل یک طبقه سلطه گر و بارز می باشد که قدرت خلق نمودن کار و فعالیت را برای یک طبقه بسیار بزرگ مهیا می سازد.

نمونه بارز این کتگوری سوم بعد از سال 1747 درانی ها اند، مخصوصاً آن طبقه درانی که نزدیک به سلسله حاکم می باشد. تفوق برای دانستن کتگوری دوم توسط ریچارد تپر مطرح گردیده، عبارت از دانستن دو نوع خاص قشربندی اجتماعی در داخل قبیله با تشخیص بین سلسله مراتب تشکیل شده در داخل قبایل که به قبیله جنگجو موسوم است و قبیله های که تشکیل شده در بین قبایل که برای شان چانس سرمایه گذاری نمودن توسط موجودیت و یا حضور ساختار های دولتی مهیا گردیده است.

دو نوع اساسی، روابط دولت - جامعه (نزدیک بودن نسبی همراهِ دستگاه دولت) که شیوه و طرز ترکیب و تشکیل یک سرمایه مد نظر گرفته شود تا غیرمتجانس بودن اجتماعی قبایل و هم چنین ترکیب اجتماعی در دهات و قصبات دانسته شود.

به قرار همین منطق که اولیفیه روه (Olivier Roy) دو کتگوری قبایل اساسی را مشخص کرده است، قبایل شرق و قبایل درانی در جنوب.

در مورد قبایل شرق چنین می نویسد:

ادامه دارد

